

Interdisciplinary Studies in the Qur'an: Challenges and Imperatives: A Case Study of the Functional Analysis of Social Support Culture-Building in the Qur'an*

Sayyed Ali Naqi Ayazi 

Assistant Professor, Research Institute of Islamic Sciences and Culture,
Qom, Iran. a.ayazi@isca.ac.ir

Abstract

Interdisciplinary studies in the Qur'an, as an emerging research approach, examine the various dimensions of sacred texts to extract deeper meanings and concepts, aiming to achieve a more profound understanding of complex and multifaceted issues. This type of study specifically arises in response to the challenges of modern society and global issues, such as the realms of culture, social inequalities, and more. The present article addresses the methodology of interdisciplinary studies in the Qur'an, its challenges, opportunities, necessities, and its impact on a better understanding of Qur'anic texts. Simultaneously, it explores how to integrate various disciplines—such as exegesis (tafsir), history, sociology, psychology, and linguistics—to achieve a deeper grasp of concepts and to answer the following questions: How do interdisciplinary studies contribute to a better understanding of the Qur'an? What are the requirements and imperatives of such studies? What are the potential challenges in this path, and how can they be overcome? What opportunities does the outcome of such studies provide in the field of

* **Cite this Article:** Ayazi, S. A. N. (2026). Interdisciplinary Studies in the Qur'an: Challenges and Imperatives: A Case Study of the Functional Analysis of Social Support Culture Building in the Qur'an. *Qur'anic Research* 31(2), p. 49–66.

<https://doi.org/10.22081/jqr.2026.73970.4376>

Received: 2024 Aug 9

Type of Article: Research Article

Revised: 2026 Apr 13

Publisher: Islamic Sciences and Culture Academy

Accepted: 2026 Apr 15

©2026/authors retain the copyright and full publishing rights

Published online: 2026 Jul 1



<https://jqr.isca.ac.ir>

knowledge? Finally, a case study of the intersection between the Qur'an and sociology is presented using this methodology.

Keywords: Qur'an, Interdisciplinary Studies, Case Study, Qualitative Method, Culture-building.

چگونگی مطالعات میان‌رشته‌ای در قرآن؛ چالش‌ها و بایسته‌ها* (مطالعه موردی تحلیل کارکردی فرهنگ‌سازی حمایت اجتماعی در قرآن)

 سیدعلی نقی ایازی

استادیار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران. a.ayazi@isca.ac.ir

چکیده:

مطالعات میان‌رشته‌ای در قرآن به‌عنوان یک رویکرد تحقیقی جدید به بررسی ابعاد مختلف متون مقدس می‌پردازد و معانی و مفاهیمی عمیق‌تر را از آیات قرآن استخراج می‌کند تا به درکی عمیق‌تر از مسائل پیچیده و چندوجهی دست یابد. این نوع مطالعات به‌طور خاص در پاسخ به چالش‌های جامعه مدرن و مسائل جهانی، حوزه فرهنگ و نابرابری‌های اجتماعی و غیره صورت می‌گیرد. مقاله پیش‌رو به چگونگی مطالعات چندرشته‌ای در قرآن، چالش‌ها، فرصت‌ها، بایسته‌ها و تأثیر آن بر فهم بهتر متون قرآنی می‌پردازد و در عین حال، چگونگی ترکیب علوم مختلف مانند تفسیر، تاریخ، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و زبان‌شناسی را بررسی می‌کند تا به درکی عمیق‌تر از مفاهیم دست یابد و به این پرسش‌ها پاسخ دهد: مطالعات میان‌رشته‌ای چگونه به فهم بهتر قرآن یاری می‌رساند؟ الزامات و بایسته‌های چنین مطالعه‌ای چیست؟ چالش‌های احتمالی در این مسیر چیست و چگونه می‌تواند مرتفع شود؟ نتیجه چنین مطالعاتی چه فرصت‌هایی را در حوزه دانش فراهم می‌سازد؟ در پایان نیز مطالعه موردی قرآن و جامعه‌شناسی با استفاده از این روش‌شناسی ارائه شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، مطالعات میان‌رشته‌ای، مطالعه موردی، روش کیفی، فرهنگ‌سازی.

*** استناد به این مقاله:** ایازی، سیدعلی نقی (۱۴۰۵). چگونگی مطالعات میان‌رشته‌ای در قرآن؛ چالش‌ها و بایسته‌ها (مطالعه موردی تحلیل کارکردی فرهنگ‌سازی حمایت اجتماعی در قرآن). پژوهش‌های قرآنی، ۳۱(۲)، ص ۴۹-۶۶.

<https://doi.org/10.22081/jqr.2026.73970.4376>

نوع مقاله: پژوهشی	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۱/۲۶	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۰/۱۵
ناشر: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی	تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۴/۱۰	تاریخ اصلاح: ۱۴۰۵/۰۱/۲۴

۱۴۰۵ © / نویسندگان دارنده حق مؤلف خود بدون محدودیت هستند.



<https://jqr.isca.ac.ir>

مقدمه

قرآن، کتاب مقدس مسلمانان، ابعاد معنوی، اخلاقی و اجتماعی گسترده‌ای دارد؛ به‌نحوی که نیازهای حال و آینده بشر برای پیمودن مراحل سعادت در آن بیان شده است^۱ و پاسخ‌گوی پرسش‌های چندبُعدی جامعه متدینان بوده و دربردارنده مضامین عمیق و چندبُعدی است که با تفسیر سطحی نمی‌توان به درکی کامل از آن دست یافت. کارکرد استفاده از روش‌های میان‌رشته‌ای به پژوهشگران این امکان را می‌دهد که با دقت به بافت معنایی و اجتماعی آیات توجه کنند و به تحلیل عمیق‌تر مفاهیم و بینش‌های موجود بپردازند. همچنین این روش می‌تواند به بررسی زمینه‌های تاریخی و اجتماعی که به نزول آیات منجر شده است، یاری رساند، چنان که می‌تواند شناسایی و تحلیل ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مرتبط با آیات قرآن را تسهیل نماید.

نویسنده این پژوهش معتقد است روش‌های مطالعات میان‌رشته‌ای، امکان برداشت‌های روشمند از قرآن به‌منظور کشف نظریات اجتماعی از متن قرآن و تفاسیر معتبر را فراهم می‌سازد و می‌تواند به غنای علم تفسیر و روشن‌گری فضای مفهومی کمک کند. این روش‌ها همچنین به درک بهتر قرائت‌های اجتماعی و فرهنگی از قرآن و تأثیر آن بر زندگی روزمره افراد نیز می‌انجامد و در نتیجه می‌تواند به بازنگری و نوآوری در تفسیر قرآن و تطبیق آن با شرایط معاصر یاری رساند. با توجه به این اهمیت، مطالعات میان‌رشته‌ای در سال‌های اخیر به‌عنوان یک رویکرد ضروری در پژوهش علمی شناخته شده است. از مختصات این رویکردی بهره‌مندی از تخصص‌ها و دیدگاه‌های مختلف به منظور حل مسایل علمی با استفاده از آیات وحی است و در این مسیر، نتایج جامع‌تری ارائه می‌شود. این نوع همکاری میان رشته‌ای، منجر به نوآوری‌های علمی، بهبود کیفیت پژوهش و افزایش دقت نتایج می‌شود. یافته‌های مبتنی بر این تفسیر می‌تواند منجر به ارائه راهکارهای عملی و کاربردی برای مشکلات جامعه شود. با این وصف، درک عمیق‌تر از این متون، نیازمند رویکردی میان‌رشته‌ای است تا بتواند به توجیه و تفسیر آیات از زوایای مختلف بپردازد. این مهم، توجه بسیاری از محققان را در سال‌های اخیر به خود جلب می‌کند تا به چگونگی، روش‌شناسی، بایسته‌ها و چالش‌های آن بپردازند. نوشتار پیش‌رو در نظر دارد نسبت به ظرفیت و چگونگی استفاده از روش‌های میان‌رشته‌ای و صورت‌بندی تفسیر اجتماعی مبتنی بر مطالعات

میان‌رشته‌ای قرآن می‌پردازد و به این دسته از پرسش‌ها پاسخ می‌دهد که ظرفیت و نسبت روش‌های کیفی با مطالعات تفسیری در قرآن چگونه است؟ از چه سازوکارهایی برای کاربرد آن در تفسیر قرآن استفاده می‌شود؟ و از چه صورت‌بندی در اجرا برخوردار است؟

انصاری (۱۴۰۱) در مقاله «روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای در تفسیر قرآن با تأکید بر علوم تربیتی» فرآیند، مبانی و آسیب‌های این روش را نقد و بررسی می‌کند و جهت روشن‌تر شدن آن برای هر یک، مثال‌هایی یادآور شده است. صاعد رازی (۱۴۰۳) در مقاله «روش‌شناسی مرجعیت علمی قرآن در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و علوم انسانی» با روش توصیفی - تحلیلی، به این پرسش پاسخ می‌دهد که مرجعیت علمی قرآن در عرصه مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و علوم انسانی با چه روشی ممکن است؟ نتیجه و دستاورد این تحقیق، عرضه روشی مستدل و قابل قبول برای مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و علوم انسانی بوده است. درزی و دیگران (۱۳۹۵) در مقاله «الزامات روش شناختی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم» تحقق یک مطالعه میان‌رشته‌ای صحیح را در گرو ایجاد هم‌سنخی و مجانست میان‌رشته‌های درگیر در آن می‌دانند و در این مطالعه به پردازش سه گونه هم‌سنخی برای چنین مطالعه‌ای پرداخته‌اند. وجه تمایز این مطالعه، نگاه فرایندی آن است که مراحل ضروری آن را می‌کاود و به فرصت‌ها و چالش‌های احتمالی ممکن می‌پردازد و در پایان نیز نمونه‌ای از بکارگیری چنین روشی را معرفی می‌کند.

۱. مفهوم‌شناسی

در مفهوم‌شناسی به تعریف و تجزیه و تحلیل آن دسته از مفاهیمی اشاره خواهد شد که در فرایند مطالعه بحث و بررسی خواهد شد.

۱-۱. روش‌شناسی^۱

روش‌شناسی تحقیق یا متدولوژی، روشی نظام مند برای حل یک مسئله تحقیقاتی از طریق جمع‌آوری داده‌ها با استفاده از تکنیک‌های مختلف، ارائه تفسیر داده‌های جمع‌آوری شده و نتیجه‌گیری در مورد داده‌های تحقیق است. در حالی که روش، تکنیکی است که از آن در جمع‌آوری شواهد استفاده می‌شود، روش‌شناسی در واقع نظریه بنیادی و تحلیل نحوه انجام و چگونگی آن است.

۱-۲. روش کیفی^۱

روش تحقیق کیفی دربردارنده گردآوری و تحلیل داده‌های غیرعددی برای شناخت مفاهیم، دیدگاه‌ها و تجارب مختلف است. ویژگی مشترک انواع مختلف آن، تحلیل داده‌های بدون ساختار می‌باشد. هدف، شناسایی، طبقه‌بندی و استخراج مفاهیم بر اساس مطالعه متون یا مبتنی بر دیدگاه خبرگان است. بنابراین ابزارهای اصلی گردآوری داده‌ها در روش تحقیق کیفی مصاحبه یا مطالعات کتابخانه‌ای است. بسته به نوع تحقیق باید از ابزارهای مناسب استفاده کرد.

۱-۳. تفسیر اجتماعی

«تفسیر اجتماعی که شاخه‌ای از تفسیر اجتهادی با گرایش اجتماعی است به معنای خضوع در برابر مفاهیم اجتماعی و نیازهای واقعی عصر حاضر است که مفسر در این روش تلاش می‌کند بین نظریه قرآن در زمینه مسائل اجتماعی، با هدف اجتماعی، هماهنگی برقرار نماید» (ایازی، ۱۴۱۴ق، ص ۵۳)

۱-۳-۱. ویژگی تفسیر اجتماعی

تفسیر اجتماعی معطوف به آن دسته از آیاتی است که به مسائل اجتماعی می‌پردازند و آیات قرآن، تفسیر عصری می‌شوند که می‌تواند به درمان مشکلات اجتماعی پاسخ دهد و معمولاً با بیانی شیوا و ساده تقریر می‌گردد تا برای عموم مردم قابل استفاده باشد.

۱-۴. مطالعه موردی

مطالعه موردی^۲ یک روش تحقیق کیفی است که به تحلیل عمیق و جامع یک موضوع، فرد، گروه، سازمان، یا رویداد خاص می‌پردازد. این روش به پژوهشگران امکان می‌دهد که با جزئیات بیشتری به بررسی پدیده‌ها بپردازند و ابعاد مختلف آن را در زمینه‌های مختلف بررسی کنند.

۲. مراحل انجام مطالعات میان رشته‌ای

برای انجام مطالعات میان رشته‌ای در قرآن باید مراحل زیر سپری شود.

۱-۲. مسئله شناسی

مسئله شناسی، جزئی کلیدی از فرآیند تحقیق است که به پژوهشگران کمک می‌کند تا بنیانی

1. Qualitative research
2. Case Study

محکم برای تحلیل‌های خود ایجاد کنند. بر اساس یک مسئله مشخص و دقیق، می‌توان به تجزیه و تحلیل عمیق‌تری پرداخت و در نهایت به راهکارهای مؤثری برای حل مسائل موجود دست یافت. در زندگی روزمره ممکن است با مجموعه مسائلی مواجه شویم. به بیان دیگر منظور از مسئله، چیزی است که مانع رسیدن ما به هدف می‌شود و یا زمینه وصول به اهداف را با مشکل مواجه می‌سازد. در مقابل، فرصت‌ها زمینه زودتر رسیدن ما به هدف را فراهم می‌سازند. بنابراین لازم است در گام نخست به تعریف و شناسایی مشکلات و پرسش‌های اصلی بپردازیم. این مرحله، ضروری است تا به پژوهشگران در انتخاب مسیرهای مناسب برای پژوهش کمک کند. این نوع مسائل، می‌تواند بررسی معانی خاص، تفسیر تاریخی آیات، تأثیرات اجتماعی آنها و یا تحلیل ساختاری آیات را دربرگیرد. به منظور پاسخ به این دسته از مسائل، تلفیق مفاهیم از رشته‌های مختلف علمی، به‌ویژه میان علوم اسلامی و انسانی، امکان درک بهتر معانی قرآن را بهتر فراهم می‌سازد.

۲-۲. تشکیل تیم پژوهشی

با توجه به تنوع و گستردگی رشته‌های علمی، تشکیل یک تیم پژوهشی متشکل از افراد با تخصص‌های مختلف، اهمیت زیادی دارد. این گروه باید متشکل از دانشمندان حوزه‌های مختلف علوم و متناسب با چند وجهی بودن مسئله مطالعاتی باشد. در یک فعالیت علمی میان‌رشته‌ای، متخصصان دو یا چند رشته و دارای تخصص علمی در ارتباط با شناخت، حل، یا تحلیل یک پدیده، موضوع یا مسئله معمولاً پیچیده و واقعی با یکدیگر تعامل و همکاری علمی می‌کنند. بنابراین فعالیت علمی میان‌رشته‌ای زمانی معنا می‌یابد که شناخت و فهم علمی و دقیق پدیده یا مسئله‌ای پیچیده یا ناشناخته که از ظرفیت و دانش یک رشته یا تخصص خارج است، هدف باشد (خورسندی طاسکوه، ۱۳۸۸، صص ۸۳-۵۷).

۲-۳. روش‌شناسی تحقیق

روش‌شناسی تحقیق، روشی نظام مند برای حل یک مسئله تحقیقاتی از طریق جمع‌آوری داده‌ها با بکارگیری فنون مختلف، ارائه تفسیر داده‌های جمع‌آوری شده و نتیجه‌گیری در مورد داده‌های تحقیق تعریف است. استفاده از روش‌های تجزیه و تحلیل کیفی و کمی از جمله تحلیل محتوای متون، بررسی تاریخی، و ارتباطات فرهنگی می‌تواند به پژوهشگران کمک کند. در این مرحله، لازم است اعضای گروه درباره نظریه‌ها و روش‌های مختلف حل مسئله تبادل نظر کنند و راهکارهای جدیدی را برای بررسی آن طراحی نمایند. این فرایند و قابلیت، امکان برداشت‌های روشمند از قرآن، به منظور کشف نظریاتی اجتماعی از متن قرآن و

تفاسیر معتبر را فراهم می‌سازد.

۲-۴. داده کاوی و تحلیل آنها

هر نوع پژوهشی باید پس از جمع‌آوری داده‌ها به تجزیه و تحلیل آنها بپردازد. براین اساس، زمانی می‌توان فرایند پژوهشی را کارآمد دانست که متناسب با جمع‌آوری داده‌ها، تجزیه و تحلیل مناسب نیز روی آنها انجام گیرد. بنابراین جمع‌آوری داده‌ها به صورت میدانی، اسنادی یا از طریق داده‌های ثانویه و سپس تحلیل آنها با استفاده از ابزارهای مناسب، مرحله‌ای کلیدی در فرایند پژوهش است که باید با دقت و وسواس خاص انجام شود و در ادامه، به جمع‌بندی و توسعه زمینه‌های مختلف مطالعاتی منجر خواهد شد.

۲-۵. بازخورد^۱

بازخورد در فرایند تحقیق یک جزء اساسی است که می‌تواند به بهبود کارایی و اعتبار تحقیق کمک کند. این فرایند نه تنها به پژوهشگر کمک می‌کند تا به نتایج بهتری دست یابد، بلکه به ارتقای سطح علمی و تحقیقاتی در حوزه خاص نیز یاری می‌رساند. بنابراین پس از تحلیل داده‌ها، نتایج باید به طور گروهبندی بررسی شوند و در صورت نیاز، روش‌های پژوهش اصلاح شوند. این بازخوردها دربردارنده نقاط قوت، چالش‌ها و نتایج کاربردی است که باید از سوی گروه تحقیق بررسی شود.

۲-۵-۱. بازخوردهای مثبت

مطالعات میان‌رشته‌ای به دلیل ترکیب دانش‌های مختلف تفسیرهای نوینی از آیات قرآن ارائه داده‌اند و به گسترش فهم منجر شده‌اند و بر غنای تحلیلی و کشف لایه‌های جدید معنایی افزوده‌اند.^۲ از دیگر سو، پژوهش‌هایی که قرآن را با علوم مختلف ترکیب کرده‌اند، به کاربردی‌سازی مفاهیم دینی منجر شده و جامعه علمی را با استقبال مواجه ساخته است، به ویژه زمانی که درصدد ایجاد سازگاری میان علم و دین هستیم^۳؛ مانند طرح «بانکداری بدون ربا» با الهام از آیات اقتصادی قرآن و ترکیب آن با نظریه‌های مالی مدرن. بنابراین

1. Feedback

۲. مانند آن چه ایازی (۱۴۰۲) از مفهوم تاب‌آوری به عنوان معادل صبر با استفاده از آیات قرآن به تحلیل آن پرداخته است.

۳. تحقیقات درباره «مراحل تکوین جنین در قرآن» (مطابق با آیات سوره مؤمنون) که توسط موریس بوکای در کتاب تورات، انجیل، قرآن و علم مورد تحلیل قرار گرفت.

رویکرد میان‌رشته‌ای می‌تواند به درک عمیق‌تر و همه‌جانبه‌تری از قرآن و معانی آن کمک کند و به تطبیق آن با نیازهای روز جامعه یاری رساند. افزون بر اینکه این رویکرد موجب ایجاد ارتباط و همکاری میان علوم انسانی و اسلامی خواهد شد و زمینه‌های جدیدی برای تحقیق فراهم می‌کند؛ از جمله نوعی همدلی و تقویت گفتگوی بین‌المللی و استفاده در برنامه‌ریزی اجتماعی را برای سیاست‌گذاران جوامع اسلامی فراهم می‌سازد.

۲-۵-۲. چالش‌ها

تحقیق کیفی به دلیل توانایی در درک عمیق‌تر از پدیده‌های انسانی ارزشمند است؛ ازاین‌رو باید چالش‌های مختلفی که در این حوزه وجود دارد، شناخت و راهکارهای مناسبی برای مدیریت آنها یافت. درک دقیق این چالش‌ها به بهبود کیفیت و اعتبار تحقیق کیفی کمک می‌کند. فقدان چارچوب روشمند در مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن، گاه به نتایج متناقض یا سلیقه‌ای می‌انجامد و خطر تحمیل نظریه‌های علمی بر قرآن را افزایش می‌دهد. از این آسیب می‌توان به عنوان تهدید، یاد کرد و چه بسا رهاورد چنین آسیبی به «علم‌زدگی» و کاهش توجه به مبانی سنتی تفسیر منجر شود. ازاین‌رو به منظور رهایی از این چالش، ضروری است برای هر مطالعه میان‌رشته‌ای، اصول تفسیری رعایت شود.

۳. مطالعه موردی (تحلیل کارکردی فرهنگ سازی حمایت اجتماعی^۱ در قرآن)

مسئله‌شناسی این مطالعه با این فرض آغاز شده است که در فرهنگ دینی، کنش‌های مبتنی بر خیرخواهی و دگردوستی از نقاط قوت آدمی به‌شمار می‌رود و مفاد آیات متعدد نیز به خوبی این نوع نگرش را تأیید می‌کند؛ چنان که هیچ امری را پس از انجام واجبات، به اندازه نیکی و خدمت به بندگان خداوند، موجب تقرب انسان به درگاه الهی نمی‌داند. این مطالعه به بررسی کارکردی نظام هنجاری کنش‌های حمایتی مردم‌نهاد، مبتنی بر جامعه هدف می‌پردازد و به این پرسش‌ها پاسخ می‌دهد: سازوکار کنش‌های حمایتی مبتنی بر تعالیم قرآنی چیست؟ چه گروه‌ها و طبقات اجتماعی از اهداف کنش‌های حمایتی هستند؟ این کنش‌ها چه کارکردهایی دارند؟ در این مسیر، سازوکار کنش‌های حمایتی انفاق، احسان، صدقه، قرض‌الحسنه، خمس و زکات بررسی شد و این موارد به‌عنوان فصل مشترک کارکردهای کنش‌های حمایتی از آموزه‌های قرآن استنباط شد: پیشرفت اقتصادی، آموزش و گسستن از کجروی، پیشگیری از دوقطبی شدن جوامع و ایجاد انسجام و همبستگی، احسان

1. Social support

به خویشتن و دریافت جزای بهتر، پالایش روح و روان از ناراستی.

با استفاده از روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای و به‌طور مشخص استفاده از روش تحلیل محتوای استقرایی و بهره‌مندی از دانش و تجربه تیم پژوهشی، جامعه‌شناسان و تفسیرپژوهان، گزاره‌ها و قضایای دانش جامعه‌شناسی و تفسیر، رابطه میان کنش حمایتی و فرهنگ‌سازی کاوش گردید. براین اساس، آن دسته از کنش‌های حمایتی که در فرایند فرهنگ‌سازی قرار گرفته‌اند، از میان آموزه‌های قرآنی احصا و تحلیل شدند و درباره سازوکارهای کنش حمایتی، مصادیق، کارکردها و نوع رابطه هر یک و مصادیق آن در فرایند فرهنگ‌سازی تجزیه و تحلیل انجام شد. منظور از فرهنگ‌سازی را می‌توان فرایندی دانست که موجبات محتواسازی، ساختاریابی، اصلاح‌بخشی و مشارکت‌دهی اجتماعی را از رهگذر تعامل‌گرایی جوامع فراهم می‌سازد (دهشیری، ۱۳۸۸، ص ۱۷۹) و منظور از «حمایت اجتماعی» را میزان برخورداری از محبت، همراهی، مراقبت، احترام، توجه و کمک دریافت‌شده فرد از سوی افراد یا گروه‌های دیگر نظیر خانواده، دوستان و دیگران مهم تعریف کرده‌اند. (ریاحی و دیگران، ۱۳۸۹، ص ۱۷).

در مجموع می‌توان چهار مولفه کلیدی در حمایت اجتماعی برشمرد: حمایت احساسی، حمایت ابزاری، حمایت اطلاعاتی و حمایت در ارزیابی و شناخت. در این نوشتار به حمایت اجتماعی ابزاری به معنای کمک‌های مادی، عینی و واقعی دریافت‌شده توسط یک فرد از سوی دیگران اطلاق می‌گردد. این نوع حمایت به افراد کمک می‌کند تا نیازهای روزانه خود را تامین نمایند و شامل عناصری از کمک‌های مادی و عینی است. (همان).

از میان مکانیزم‌های حمایتی احسان، انفاق، صدقات، خمس و زکات و قرض الحسنه، مصادیق مورد حمایت هر یک از آیات مربوطه احصا گردید و کارکردهای مترتب با آن مورد بحث قرار گرفت و به چگونگی فرهنگ‌سازی آن، پرداخته شد. نتایج به دست آمده با استفاده از داده کاوی و تحلیل آیات مرتبط، در چهار مقوله محتواسازی، ساختار یابی، اصلاح بخشی و مشارکت اجتماعی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و بازخورد نظری کنش‌های حمایتی در ابعاد مختلف و مبتنی بر آموزه‌های قرآنی استخراج گردید.

محتوا سازی (هنجارها و ارزش‌های حمایت اجتماعی)

یکی از اضلاع تحلیل کارکردی حمایت اجتماعی، محتوا سازی است و منظور از آن خواستگاه تولید کنش حمایتی است که رواج و اشاعه حمایت اجتماعی، نیازمند به جامعه پذیری^۱ عناصری متشکل از ارزش‌ها و هنجارهایی است که جهت دهی به نگرش‌ها، ذهنیت‌ها و رفتارها را در میان کنشگران شکل می‌دهد. در این میان، هنجار اجتماعی یکی از مفاهیم مرکزی و اصلی در بحث عناصر فرهنگی است. قرآن کریم در مسیر هدایت انسان‌ها و جوامع، نظرات قابل اعتنائی درباره چگونگی تحقق هنجارهای مطلوب و رفع ناهنجاریها از یکسو و بیان ارزش‌های دینی از دیگر سو، نقش بسزایی در فراهم آوردن جامعه سالم دارد. بر این اساس، بهره‌مندی از عناصر فرهنگی حمایت اجتماعی به منظور اخذ قالب‌های کنش و چگونگی تحقق و درونی سازی آن اجتناب ناپذیر است.

شکل‌گیری کنش‌های مبتنی بر محتوا

یکی از دلایل و زمینه‌های فرهنگ‌سازی کنش حمایتی، اطلاع و توجه به نظام کارکردی کنش‌های حمایتی است. به عنوان مثال، خواستگاه کنش حمایتی انفاق به همنوع با این قضایا تحلیل می‌شود. خداوند متعال با برخورداری کردن انسانها از نعمت‌ها و امکانات بی‌شمار و وسایل گشایش در زندگی، زمینه افزایش رفاه و آسان‌تر کردن کارها را برای انسان فراهم ساخته است. بنابراین ایجاد رفاه نسبی برای جامعه از دیدگاه اسلام نه تنها نکو هیده نیست، بلکه ستودنی است؛ به‌ویژه اگر با این قصد همراه باشد که با استفاده بهتر از نعمتها فرصت بیشتری برای رسیدگی به تهذیب خویش و تربیت دیگران و عبادت خدا فراهم آید. (دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷، ۱۲۸). در این میان، افرادی وجود دارند که به دلایلی، از جمله نقص در فعالیت‌های اقتصادی، قادر نیستند با مشارکت در کنش‌های اجتماعی، حقوق و مزایایی را کسب کرده و در نتیجه قادر نخواهند بود تا مایحتاج زندگی خویش را تأمین نمایند. کنش حمایتی انفاق، می‌تواند در کمال عزت نفس و احترام به افرادی با این خصوصیت عمل کرده و باعث کاهش فقر و فاصله طبقاتی بین توانگران و ناتوانان شود. کارکرد این دسته از کنش‌ها، موجب می‌شود تا وضعیت معیشتی قشر مسعّضف بهبود یافته و متعاقب آن، مودت و محبت، گردش ثروت، ایجاد امنیت و

1. norm
2. value
3. socialization
4. action

سلامت عمومی در جامعه افزایش یابد. (طباطبایی، ۱۳۶۳، ج ۱۲، ۴۷۹).

تحلیل کارکردی کنش حمایتی

اولین کارکرد، احسان و نیکی به خویشان است. این معنا از آیه ۱۴۱ سوره بقره قابل برداشت است. «بر این اساس عمل اختیاری نیک و یا بد، پسندیده و یا ناپسند، پدیده و محصول و رشد روان فاعل مختار است و چون عمل از آن سر چشمه گرفته بدان نیز باز خواهد گشت، یعنی محصولی است که سبب تقویت و رشد روح و ثبات صورت علمی و استقرار اخلاقی آن می‌شود.» (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ۲۲). آیه ۷۷ سوره قصص نیز به چنین کارکردی اشاره می‌کند. دفع فساد با احسان از دیگر کارکردهایی است، که از همین آیه قابل استنتاج است. در آیه ۸۴ همین سوره می‌افزاید احسان به دیگری جزای بهتری برای محسن در پی خواهد داشت. «هر که نیکویی کند جزایی بهتر از آن دارد».

یکی از عوامل معنوی و کنش‌های متداولی که می‌تواند زمینه برای رشد و پیشرفت اقتصاد را فراهم کند، پرداخت انفاق به عنوان یکی از مصادیق کنش حمایتی است. انفاق به معنای گذشتن از چیزی (مفردات، ۸۱۹) و واگذاری برخی از درآمدها و ثروتها به دیگران جهت بهره‌مندی از آن است. انسان با این کار، این فرصت را به دیگر اعضای ناتوان و فقیر جامعه می‌دهد تا در مسیر پیشرفت و رشد اقتصادی همکاری کنند و از آن بهره‌مند شوند. «انفاق بهترین چاره به منظور جلوگیری از تجمع ثروت است. اگر ثروتمندان مال خود را در کارهای عام المنفعه مصرف کنند، هم شکاف جامعه پر می‌شود، و هم خودشان با قلب آرام زندگی می‌کنند، جامعه‌ای که در آن انفاق حکم فرماست از صمیمی‌ترین جامعه‌هاست که اهل آن با همدیگر صمیمی و مهربان هستند. حس همدردی و عاطفه در میان آنها متجلی است.» (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۱، ۵۱۸) بنا بر این، انفاق نه تنها برای تامین نیازها و رفع آن است، بلکه می‌تواند دریچه‌ای برای راهیابی در قلب دیگران و وسیله انتقال محبت و پیوند جمعی باشد، تا بد اندیشی و کینه‌ها، تبدیل به محبت و رحمت عمومی شود. زیرا به هر میزان که اعضای جامعه‌ای احسان کنند؛ از روحیه دگرددوستی بیشتری برخوردارند و همین امر سبب تقویت و رشد روح اخلاق آن‌ها خواهد شد.

آیه ۲۶۷ سوره بقره و ۹۲ سوره آل عمران، کیفیت انفاق را از پرداخت بهترین‌ها و آنچه که بیشتر حامی بدان علاقمند است، برای حمایت شونده معرفی می‌کند. چون پرداخت بهترین نوع انفاق، باعث ایجاد مودت و محبت بین دریافت کننده و پرداخت کننده می‌شود و دریافت کننده به نوع ایثار پرداخت کننده پی برده، سبب تعاملات از نوع گرم و عاطفی بین

ایشان برقرار می‌شود.

شکل دیگری از انفاق که در آیه ۱۳۴ آل عمران بدان تاکید شده، انفاق در تنگدستی و رفاه است. طبیعی است سفارش کمک به دیگران در گشاده دستی و رفاه، امری بدیهی و نیازمند به تعلیل پیچیده ای ندارد؛ ولی انفاق در تنگدستی می‌تواند ناظر به این توجیه باشد که تعالیم دینی این امر را می‌خواهد اشاعه دهد که ایجاد روحیه انسجام و همبستگی مالی بین جامعه متدین مختص متمکنین نیست و همه کسانی که به نحوی بتوانند در این امر مشارکت داشته باشند دعوت شده‌اند. حس مشارکت و همدردی می‌تواند روحیه تعاون را بوجود آورده و احساس تعلق همگانی را تقویت کند و این امر با پیشرفت سازگاری کاملی دارد.

آمرزش و گذشتن از کجروی‌های گذشته از دیگر کارکردهایی است که در آیه ۲۶۸ سوره بقره نیز بدان اشاره شده است. وجود آثار و عوارض کجروی در شخص می‌تواند آثار روحی روانی نامساعد بر فرد تحمیل کرده و مانعی برای پیشرفت محسوب شود. وعده به بخشش از کجروی می‌تواند از عوارض آن کاسته و زمینه ساز تعالی و رشد بشری شود. از دیگر سو، وعده‌ی به افزایش سرمایه نیز در این آیه مورد تاکید قرار گرفته است. چنان که خداوند، در آیه ۲۷۱ سوره بقره صدقه دادن را عاملی مهم برای محو گناهان انسانی می‌شمارد تا این گونه فرصتی به بشر داده و خود را از هر گونه زشتی و گناه تخلیه کند و در سایه چنین فرصتی گام در طهات نفس بردارد و به پالایش روح و روان خویش از هرگونه آلودگی‌ها دست یابد. (مجادله آیه ۱۲).

ساختارابی در فرایند فرهنگ سازی حمایت اجتماعی

از نظر گیدنز: «ساختارهای اجتماعی عبارتند از مجموعه کلی و دفعته‌ا ظاهر شونده‌ای از قواعد، نقشها و روابط و معانی که افراد در درون آن‌ها به دنبال آینده به کمک اندیشه و عمل انسان‌ها سازماندهی، باز تولید و متحول می‌شوند». (داورپناه، محمد رضا، سالاری، محمود، ۱۳۹۰، ۲۲) این انسان‌ها هستند که در طی زمان ساختارها را خلق می‌کنند و مبتکر تحول در آن‌ها می‌گردند نه خود جامعه؛ ولی فعالیت‌ها و ابتکارات خلاقانه آن‌ها تابع محدودیت‌های اجتماعی است.

با این وصف، ساختارهای شکل دهنده و تقویت کننده‌ای که به ایجاد و تثبیت هنجارهای حمایت اجتماعی می‌پردازد؛ در نهاد خانواده به الگوی روابط بین اعضا توجه

داشته و به مقولاتی مانند نوع ارتباط بین فرزندان و والدین، ارتباط بین فرزندان در تبادل محبت و اعطای سرمایه و ثروت و حمایت های معنوی لازم التفات دارد. از دیگر سو، نظام خویشاوندی در مدلی فراتر از نهاد خانواده به این دسته از روابط پیچیده نظر داشته که به تسهیل سازی و تثبیت تعاملات اجتماعی مبتنی بر محبت و حمایت های چند جانبه بین نهادهای خانواده ای که در گستره وسیع تری شکل گرفته و نظام خویشاوندی را شکل داده است و در قالب هایی مانند صله رحم بروز و ظهور می یابد. چنان که از صله رحم به عنوان مصداقی از کنش عاطفی گسترده در کنش های متقابل اجتماعی در تعالیم دینی یاد می کنیم.

گروه دوستان نیز به عنوان گروه مرجعی که تاثیر بسزایی در جامعه پذیری دارد به تعاملات اجتماعی بین همسالان و گروه های دارای منافع مشترک به منظور تثبیت یافتگی حمایت های اجتماعی توجه دارد. گروه های دوستی به دلیل وجود علایق و تجربیات مشترکی که بین اعضای یک گروه اجتماعی وجود داشته و موجب گردهمایی آنان شده می تواند زمینه ساز شکل گیری و تداوم حمایت اجتماعی شود.

نظام همسایگی نیز بستر مناسبی برای شکل گیری و تثبیت حمایت های اجتماعی است. در این ساختار اعضای محلات احساس همبستگی کرده و خویش را از یک خانواده وسیع تری می بینند که کنش های متقابل آنان در راستای حمایت از همدیگر تعریف شده است.

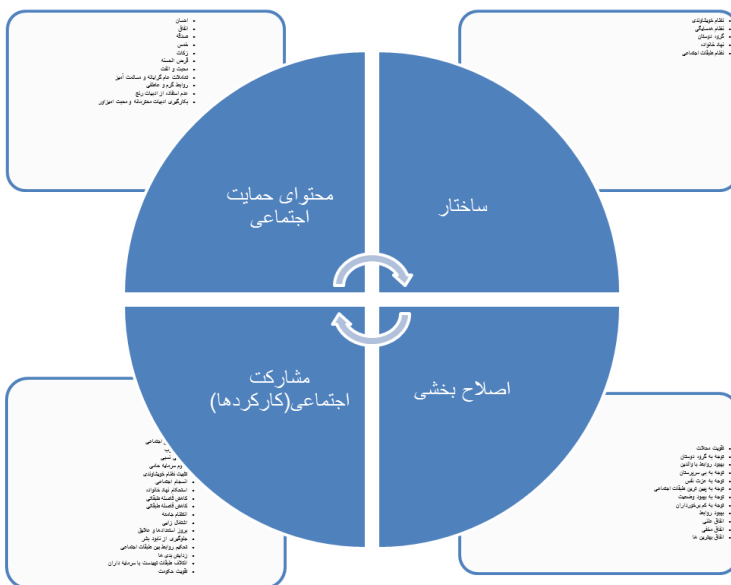
طبقات و اقشار مختلف اجتماعی نیز می تواند با استفاده از ظرفیت خویش و به منظور تثبیت و توسعه تبادلات اجتماعی کنش های مبتنی بر حمایت های اجتماعی را شکل داده و اشاعه دهنده آن باشد.

اصلاح بخشی در فرایند فرهنگ سازی حمایت اجتماعی

اگر اصلاح بخشی را، باور به امکان تغییر ساختارهای بنیادی یک جامعه از طریق تغییر تدریجی از درون نهادها و کنش های موجود بدانیم، در فرایند فرهنگ سازی، عناصری از پازل محتوا و ساختارهای حمایت اجتماعی نیازمند به اصلاح بوده تا زمینه ساز بهبود روابط شود. برخی از عناصر نیازمند به اصلاح یا در قالب هنجارهاست مانند این که در تعالیم قرآنی اشاره به کیفیت محتوای تبادلات شده مانند، کیفیت انفاق را از پرداخت بهترین ها و آنچه که بیشتر حامی بدان علاقمند است، برای حمایت شونده معرفی می کند. خصوصیتی

شود.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۳۶۱)

نارسایی های احتمالی در این مسیر را جبران نماید.



۴. نتیجه‌گیری

روش‌شناسی مطالعات چندرشته‌ای یک رویکرد مهم و کارآمد در پژوهش‌های علمی به حساب می‌آید. از طریق همکاری بین متخصصان از رشته‌های مختلف، این نوع مطالعات می‌توانند به درک عمیق‌تری از مسائل پیچیده دست یابند و راهکارهای نوآورانه‌ای برای چالش‌های جامعه مدرن ارائه دهند. با وجود چالش‌های موجود، فرصت‌های بی‌شماری برای پیشرفت علمی وجود دارد که می‌تواند به بهبود کیفیت زندگی بشر منجر شود.

این مقاله بیش از آنکه صرفاً به ترویج رویکرد میان‌رشته‌ای بپردازد، یک جهش پارادایمیک در روش‌شناسی مواجهه با متن مقدس را پیشنهاد می‌کند: گذار از «تفسیر گزاره‌محور» (که هدف آن درک معنای یک آیه در انزواست) به «تحلیل سیستماتیک و مسئله‌محور» (که هدف آن استخراج یک مدل کارکردی برای حل معضلات اجتماعی است). این رویکرد، قرآن را نه به عنوان مجموعه‌ای از احکام و اندرزهای فردی، بلکه به مثابه یک «طرح کلان مهندسی اجتماعی»^۱ می‌نگرد که اصول آن از طریق ابزارهای تحلیلی علوم انسانی مدرن قابل کشف و صورت‌بندی است.

۱. ساخت یک «پل هرمنوتیکی» میان وحی و علم انسانی

جوهره روش‌شناختی این مقاله، ساختن یک «پل هرمنوتیکی» میان دو حوزه معرفتی است که غالباً از یکدیگر جدا افتاده‌اند: جهان‌بینی و حیانی قرآن و ابزارهای مفهومی علوم انسانی (مانند جامعه‌شناسی). فرایند پنج‌مرحله‌ای ارائه‌شده (از مسئله‌شناسی تا بازخورد)، در واقع یک پروتکل علمی برای این گفتگو است. در این مدل، علوم انسانی نه به عنوان رقیب یا جایگزین تفسیر سنتی، بلکه به عنوان یک «زبان واسطه» عمل می‌کند. این زبان به پژوهشگر امکان می‌دهد تا پرسش‌های پیچیده و مدرن (مانند چگونگی «فرهنگ‌سازی») را به گونه‌ای برای متن قرآن مطرح کند که پاسخ‌هایی ساختارمند و قابل تحلیل دریافت نماید. این رویکرد برای مخاطب غیرمسلمان، یک نمونه دقیق از «هرمنوتیک کاربردی»^۲ و برای مخاطب مسلمان (اعم از شیعه و سنی)، احیای نقش قرآن به عنوان منبعی برای «حل مسائل» و نه فقط «قرائت» است.

-
1. A Blueprint for Social Engineering
 2. Applied Hermeneutics

۲. از اخلاق فردی تا «گرامر کارکردی» جامعه عادلانه

مطالعه موردی «حمایت اجتماعی» به شکلی درخشان نشان می‌دهد که این روش چگونه مفاهیم آشنایی مانند انفاق، احسان و زکات را از سطح «توصیه‌های اخلاقی فردی» به سطح «مکانیسم‌های ساختاری برای بازتوزیع و همبستگی اجتماعی» ارتقا می‌دهد. تحلیل کارکردی این مفاهیم در قالب «محتواسازی»، «ساختاریابی» و «اصلاح‌بخشی»، در واقع در حال استخراج «گرامر کارکردی» یک جامعه سالم از منظر قرآن است. این رویکرد به ما نشان می‌دهد که مفاهیم قرآنی صرفاً ارزش‌های انتزاعی نیستند، بلکه دارای منطقی عملیاتی برای تأثیرگذاری بر نهادهایی چون خانواده، همسایگی و ساختارهای اجتماعی کلان هستند. این همان فهم تمدنی است: درک اینکه چگونه اصول و حیانی می‌توانند به نتایج ملموس اجتماعی و نهادی در سطوح کلان یک امت و یا تمدن منجر شوند.

۳. ناوبری هوشمندانه میان اصالت متن و کارآمدی فهم

این مقاله به بزرگترین خطر این رویکرد، یعنی «علم‌زدگی» یا تحمیل نظریه‌های سکولار بر قرآن، اشاره می‌کند. راه‌حل پیشنهادی، حفظ اصالت اصول تفسیری و در عین حال استفاده از ابزارهای علمی برای کشف معانی است. این رویکرد، با استفاده از روش‌های دقیق برای مفاهیم جامعه‌شناختی در قرآن نیست، بلکه استفاده از این مفاهیم برای طرح پرسش‌های بهتر و کشف لایه‌های عمیق‌تر معنایی است که در یک خوانش سنتی ممکن است مغفول بماند. این توازن دقیق، کلید مقبولیت چنین رویکردی در میان نحله‌های فکری مختلف اسلامی است، زیرا هم به مرجعیت متن و حیانی احترام می‌گذارد و هم به دنبال کارآمدی آن در دنیای معاصر است.

در نهایت، این مقاله یک نقشه راه عملی برای تبدیل قرآن از یک «متن میراثی» به یک «منبع زنده و پویا برای نظریه‌پردازی اجتماعی» ارائه می‌دهد. این رویکرد، با ترجمه حکمت قرآنی به زبان جهانی علوم انسانی، این ظرفیت را ایجاد می‌کند که اصول آن نه تنها الهام‌بخش مسلمانان برای ساختن جامعه‌ای عادلانه‌تر باشد، بلکه به عنوان یک مدل نظری قابل تأمل، در گفتگوی جهانی پیرامون اخلاق، توسعه و عدالت اجتماعی نیز مشارکت کند. این دستاورد، جوهره یک فهم تمدنی از قرآن است: فهمی که هم به ریشه‌ها وفادار است و هم برای میوه‌دادن در جهان امروز، شجاعت گفتگو با دانش‌های جدید را دارد.

منابع

۱. قرآن
۲. ایازی، سید محمد علی (۱۴۱۴ ق)، المفسرون حیاتهم و منهجهم؛ تهران، وزارت ارشاد.
۳. خورسندی طاسکوه، علی (۱۳۸۸). «تنوع گونه‌شناختی در آموزش و پژوهش میان‌رشته‌ای». فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی، شماره ۴، صص ۸۳-۵۷.
۴. حسینی همدانی، سید محمد حسین (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان، تهران، کتابفروشی لطفی.
۵. داورپناه، محمد رضا و سالاری محمود (۱۳۹۰ش)، «نظریه اجتماعی و محیط استفاده از اطلاعات، نقش ساختار و کنش در شکل‌گیری رفتار و الگوی اطلاع‌یابی»، پژوهش‌نامه کتابداران و اطلاع‌رسانی، شماره ۱۱.
۶. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه (۱۳۸۷)، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت.
۷. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۸ش)، «رسانه و فرهنگ سازی»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، شماره ۸.
۸. راغب اصفهانی، حسین (۱۹۹۶م)، مفردات الفاظ القرآن، دمشق، دارالقلم.
۹. ریاحی، محمد اسماعیل، وردی نیا اکبر علی و پورحسین سیده زینب (۱۳۸۹ش)، «بررسی رابطه بین حمایت اجتماعی و سلامت روان»، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۳۹.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۳ش)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۱۱. قریشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷ش)، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.